

چرا پیامبر اسلام در خانه خود به خاک سپرده شد؟

مهدی پیشوایی

در ایام رحلت پیامبر بزرگ اسلام در میان موضوعات متعلق به آن حضرت مناسب دیدیم که مبحث ذیل را موضوع مقاله خویش قرار دهیم گرچه مطالب زیبا و گفتنی بسیاری در زندگی پربرکت آن اسوه حسنه وجود دارد که ان شاءالله در زمان مناسب خود مطرح خواهیم نمود:

آن روزها زمزمه اسلام، آیین جدیدی که محمد(ص) در مکه آورده بود در شهر یثرب پیچیده بود و گروهی از دو قبیله بزرگ و مشهور «اوس» و «خزرج» این آیین را پذیرفته بودند و در دو سال پی در پی پیمانی در مکه با محمد(ص) بسته بودند و در پیمان دوم او را به شهر خود دعوت کرده، وعده حمایت و پشتیبانی به او داده بودند.

اینک خبر می رسید که پیامبر اسلام که از طرف قریش در فشار بود، بنابر این دعوت، مکه را ترک گفته رهسپار یثرب شده است. یثرب حال و هوای دیگری داشت، چشمهای مشتاق نو مسلمانان و همه آنان که دورا دور شیفته سخنان و رفتار او شده بودند به راه مکه دوخته شده بود و در انتظار ورود او به این شهر روزشماری می کردند. این انتظار چندان طول نکشید که خبر رسید پیامبر اسلام به دهکده «قبا» در حومه یثرب - که محل سکونت چند قبیله بود - وارد شده است. رسول خدا پس از چند روز توقف در قبا همراه گروهی از بنی نجار (اقوام مادری عبدالمطلب) سوار ناقه ای شده روانه یثرب گردید. هنگام ورود او به شهر، مردم با شور و علاقه فراوان از او استقبال کردند. سران و بزرگان قبائل، زمام ناقه پیامبر را می گرفتند و درخواست می کردند حضرت در محله آنها فرود آید. پیامبر می فرمود: راه شتر را باز کنید، او ماموریت دارد، او هر جا بخواهد، من همان جا فرود خواهم آمد (گویا رسول خدا با این تدبیر می خواست مثل داوری در باره نصب حجرالاسود، افتخار و شرف میزبانی او نصیب قبیله یا خاندان خاصی نشود و در آینده مشکلی ایجاد نشود) سرانجام شتر در محله بنی نجار در زمینی نزدیک خانه ابو ایوب انصاری (خالد بن زید خزرجی) بر زمین خوابید. در این هنگام که انبوه مردم در اطراف پیامبر گرد آمده هر کدام خواستار میزبانی حضرت بودند، ابو ایوب اثاث و لوازم سفر حضرت را به خانه اش برد و پیامبر به خانه او رفت.

بدین ترتیب افتخار میزبانی پیامبر نصیب ابوایوب گردید.

پیامبر اسلام پس از استقرار در یثرب لازم دید مسجدی ساخته شود تا مرکز آموزش و پرورش مسلمانان و جایگاه تجمع آنان هنگام نماز جمعه و جماعت باشد، از این جهت زمینی را که روز نخست شتر او در آنجا بر زمین خوابیده بود، و متعلق به دو یتیم بود از سرپرست آنان خریداری کرد و به کمک مسلمانان در آنجا مسجدی ساخت که مسجد النبی خوانده شد.

حجره مسکونی پیامبر

پس از تکمیل مسجد، در کنار آن (در سمت شرقی) دو حجره جهت سکونت پیامبر و همسرانش ساخته شد: حجره ای برای سوده و حجره ای برای عائشه. پیامبر اسلام این دو را پس از درگذشت حضرت خدیجه تزویج کرده بود. پس از آماده شدن حجره که بسیار ساده و محقر و با مصالح ابتدایی ساخته شده بود، حضرت از خانه ابو ایوب به آنجا منتقل شد. حجره پیامبر به دیوار شرقی مسجد متصل بود و دری از آن قسمت به مسجد باز می شد و از دیگری به بیرون راه داشت. پیامبر اسلام تا آخر عمر همچنان در آن حجره ها سکونت داشت و سرانجام در حجره عائشه رحلت نمود و (به تفصیلی که خواهیم نوشت) در همان جا به خاک سپرده شد.

توسعه مسجد

در زمان خلافت ولید بن عبدالملک که به دستور وی مسجد النبی توسعه یافت، عمر بن عبدالعزیز حاکم مدینه در توسعه مسجد، حجره های همسران پیامبر را خراب کرده جزء مسجد قرار داد. اما اطراف حجره عائشه را که قبر مطهر حضرت در آن قرار داشت با دیواری، از فضای عموم مسجد جدا کرد. طی ادوار بعدی توسط برخی از خلفا و سلاطین، مسجد نبوی توسعه یافت که بیشترین توسعه در زمان ما، در دوران حکومت خاندان سعودی در عربستان صورت گرفته است. در موقعیت کنونی مسجد، قبر مطهر پیامبر (و نیز ابوبکر و عمر) و همچنین حجره حضرت فاطمه که ضریح قدیمی و آهنی مشبک آن را احاطه کرده در داخل مسجد و در چند متری دیوار شرقی مسجد قرار دارد.

چرا پیامبر اسلام در خانه خود به خاک سپرده شد؟

اشاره کردیم که رسول خدا در خانه خویش به خاک سپرده شد، اما این که علت و انگیزه انتخاب این محل چه بوده محور اصلی این مقاله است و لازم است در این باره توضیح دهیم.

وهابیان چون سفر برای زیارت قبور صالحان و نیز ساختن بقعه و بنا بر فراز آنها و دست مالیدن و تبرک به آنها را حرام می دانند، با استناد به حدیثی که از طریق عائشه از پیامبر اسلام نقل می کنند علت دفن حضرت در خانه مسکونی اش را از دلایل این حکم می دانند و ادعا می کنند برای آنکه قبر پیامبر مسجد قرار نگیرد و در دسترس مردم نباشد، آن حضرت وصیت کرد که در حجره مسکونی اش دفن گردد. حدیث یاد شده بدین صورت است:

عن عائشة رضي الله عنها قالت: قال النبي(ص) في مرضه الذي لم يقم منه: لعن الله اليهود اتخذوا قبور انبيائهم مساجد. قالت عائشة: لو لا ذلك لابرز قبره، خشي ان يتخذ مسجدا عائشه مي گوید: پیامبر اسلام(ص) در آن بیماری که به دنبال آن از دنیا رفت، فرمود: لعنت خدا بر یهود باد! قبور پیامبرانشان را مسجد قرار دادند. عائشه افزود: اگر این ملاحظه نبود، قبر پیامبر [توسط مسلمانان] آشکار می گردید، او ترسید قبرش را مسجد قرار دهند.

ابن تیمیه، بنیانگذار وهابیت در توضیح این حدیث می نویسد: چون پیامبر، کسانی را که قبور را مسجد قرار می دهند، لعن کرد و امت خود را از این کار برحذر داشت و نهی نمود، و از اینکه قبر او را عید قرار دهند نهی نمود، از این رو در اتاق خود دفن گردید تا کسی نتواند قبر او را مسجد یا عید قرار دهد ... بر خلاف دیگران که در بیابان دفن می شوند، پیامبر در خانه اش دفن گردید چون ترسید قبر او مسجد قرار گیرد. او در خانه اش به خاک سپرده شد تا قبر او را نه مسجد قرار دهند و نه عید و نه بت.

استناد ابن تیمیه به این حدیث و احادیث مشابه دیگر در زمینه نهی از مسجد قرار دادن قبرها - که از طریق اهل سنت نقل شده - مانند بسیاری دیگر از استدلالهای او است که موضوع یا حکمی را مسلم می گیرد و موضوعها و مسایل دیگر را بر آن استوار می سازد در حالی که از نظر مخالفان او، موضوع یا حکم نخست مورد قبول نیست تا مسائل متفرع بر آن نیز ثابت گردد. در اینجا اجمالا باید توجه داشت که مقصود از احادیث یاد شده، بت قرار دادن یا قبله قرار دادن قبور است زیرا یهود و نصاری چنین می کردند. اما حرمت ساختن مسجد بر فراز قبرها یا کنار آنها از احادیث استفاده نمی شود.

اما این ادعا که پیامبر اسلام(ص) برای آنکه قبرش مسجد و بت قرار نگیرد، در خانه اش دفن گردید، هیچ سند و مدرکی ندارد جز اظهار نگرانی عائشه در دنباله حدیث که ابن تیمیه نیز به آن استناد کرده است. یعنی جمله «لو لا ذلك لابرز قبره، خشي ان يتخذ مسجدا»: اگر این ملاحظه نبود قبر پیامبر آشکار می گردید، [پیامبر] ترسید که قبر او را مسجد قرار دهند. این حدیث را مسلم در صحیح خود از طریق دیگر، از عائشه بدین صورت نقل کرده: قال رسول الله(ص) في مرضه الذي لم يقم منه: لعن الله اليهود والنصارى اتخذوا قبور انبيائهم مساجد، قالت فلو لا ذلك لابرز قبره غير انه خشي ان يتخذ مسجدا.

یادآوری می شود که در این حدیث کلمه «خشی» توسط شارح صحیح بخاری به صورت فعل ماضی معلوم (خشی) و توسط شارح صحیح مسلم به صورت مجهول (خشی) اعراب گذاری و ضبط شده است. چه «خشی» را معلوم بخوانیم و چه مجهول، در هر حال این سخن، استنباط و اظهار نظر عائشه است نه سخن پیامبر. بخاری این حدیث را در صحیح خود در کتاب «جنائز» نیز نقل کرده و در آخر آن سخن عائشه بدین صورت اضافه شده است: و لو لا ذلک لابرزوا قبره غیرانی اخشی ان یتخذ مسجدا: «اگر این ملاحظه نبود قبر او را آشکار می کردند ولی من می ترسم آن را مسجد قرار دهند.» اگر مدرک و دلیل دفن پیامبر در اتاق مسکونی آن حضرت را این حدیث قرار دهیم موضوع هیچ ارتباطی با پیامبر نخواهد داشت زیرا این عایشه است که می گوید: می ترسم قبر پیامبر را مسجد قرار دهند، نه پیامبر! از طرف دیگر اظهار نظر منقول از عائشه نه با احادیثی که از طریق شیعه رسیده سازگار است و نه با احادیثی که در کتب و سنن اهل سنت نقل شده است.

علت انتخاب محل دفن پیامبر اسلام(ص) از دیدگاه احادیث

«ابن ماجه» قضیه را چنین نقل می کند: مسلمانان در تعیین محل قبر پیامبر اختلاف نظر پیدا کردند: گروهی گفتند: در مسجدش دفن شود، گروهی گفتند: با اصحابش دفن شود. ابوبکر گفت: از پیامبر شنیدم می فرمود: «هر پیامبری، هر جا که از دنیا رفت، در همان جا دفن می شود» از این رو بستر پیامبر را که در آن درگذشته بود، بلند کردند و در محل آن قبر کردند و نیمه شب چهارشنبه به خاک سپردند. «مالک» روایت می کند که پیامبر اسلام(ص) روز دوشنبه از دنیا رفت و روز سه شنبه به خاک سپرده شد و مردم، بدون جماعت و تک تک بر جنازه او نماز خواندند [آنگاه] گروهی گفتند: نزد منبر دفن شود. دیگران گفتند: در بقیع دفن شود، ابوبکر آمد و گفت: از پیامبر شنیدم می فرمود: «هر پیامبری در همان محلی که در آنجا فوت کرده، دفن می شود» پس در همان جا برای حضرت قبر کردند.

«احمد زینی دحلان» پس از نقل سخنان ابوبکر، اضافه می کند: علی گفت: من نیز این سخن را از پیامبر شنیدم.

«علی بن برهان الدین حلبی» در این باره چنین می نویسد: اصحاب پیامبر در تعیین محلی که پیامبر در آنجا دفن شود، اختلاف پیدا کردند: برخی گفتند: باید حمل شود و در کنار قبر ابراهیم خلیل دفن گردد. ابوبکر گفت: او در همان محلی که در آن درگذشته است دفن کنید زیرا خداوند روح او را در محل پاک قبض کرده است.

در روایتی آمده است: ابوبکر گفت: من در این باره حدیثی از پیامبر شنیدم که می فرمود: «هر پیامبری هر جا که از دنیا رفت، در همانجا دفن می شود.» در برخی روایات سخن ابوبکر با این لفظ نقل شده است: «خداوند روح هیچ پیامبر را قبض نمی کند مگر در همان محلی که باید در آنجا دفن شود.»

نیز از ابوبکر نقل شده است که: از پیامبر شنیدم می فرمود: «هر پیامبری در جایی که در نظر او از همه جا محبوبتر است از دنیا می رود.» در حدیث آمده است «هر پیامبری که در گذشته، در همانجا که از دنیا رفته به خاک سپرده شده است» پس بستر پیامبر را کنار زدند و بدن او را در همان محلی که در آنجا به لقای خدا شتافته بود، به خاک سپرده شد.

این معنا در کتب و احادیث شیعه نیز آمده است: مرحوم شیخ طوسی روایت می کند: هنگامی که پیامبر(ص) درگذشت، خاندانش و کسانی که از اصحاب او حاضر بودند، در تعیین محلی که سزاوار است پیامبر(ص) در آن دفن گردد، اختلاف کردند: بعضی گفتند: در بقیع دفن شود، بعضی دیگر گفتند: در صحن مسجد دفن شود.

امیرالمؤمنین(ع) فرمود: خداوند، پیامبر را در پاکترین نقاط قبض روح کرده است، پس سزاوار است در همان بقعه ای که در آن درگذشته است، دفن شود. این سخن را پذیرفتند و در نتیجه، جسد پیامبر در حجره اش به خاک سپرده شد.

فضل بن حسن طبرسی نیز می نویسد: مسلمانان در باره محل دفن پیکر پیامبر به بحث و گفتگو پرداختند، در این هنگام علی(ع) گفت: «خداوند هر مکانی را که پیامبر را در آن قبض روح کرده است، همانجا را برای دفن او برگزیده است، من او را در حجره اش که در آن درگذشته است، دفن می کنم» مسلمانان این پیشنهاد را پذیرفتند. همه این اسناد و شواهد گواهی می دهد که در انتخاب محل دفن پیامبر، سخن از مسجد قرار گرفتن قبر او در میان نبوده و خود حضرت چیزی در این باره نفرموده است.

منبع: ماهنامه کوثر